

## بررسی نقش رسانه در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

علیمردان احمدی<sup>۱</sup>، کافیه داودی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.  
<sup>۲</sup> کارشناسی آسیب شناسی اجتماعی. پیشگیری از اعتیاد. دانشگاه جامع علمی کاربردی استان ایلام.

### چکیده

اجرا پژوهی راهی است که به طریق آن تلاش می‌شود عوامل موفقیت اجرای سیاست‌ها شناسایی و عوامل شکستی که باعث عدم دستیابی کامل به اهداف گردیده‌اند کشف و با ارائه راهکارهایی برطرف شوند تا بتوان خط مشی‌های آینده را با موفقیت بیشتری اجرا نمود. از آنجایی که آموزش و پرورش به‌عنوان نهاد فرهنگی و اجتماعی، نقش اساسی و بی‌بدیل در تربیت نیروی انسانی و تولید سرمایه اجتماعی و فرهنگی در فرایند رشد و تعالی کشور ایفا می‌کند پژوهشگر هدف اصلی پژوهش را بررسی مفهوم‌شناسی و حقیقت‌یابی نقش رسانه در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش قرار داده است. یکی از ابعاد مورد توجه در سند، رسانه است. به همین منظور در این مطالعه اسنادی نشان داده شده‌است که تحقق اهداف سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در حوزه رسانه‌ها در گرو تدوین برنامه‌ای منسجم برای آموزش سواد رسانه‌ای در سطوح مختلف مدارس است.

**واژه‌های کلیدی:** رسانه، سند تحول بنیادین، آموزش و پرورش

## مقدمه

دستیابی به اهداف، مهم‌ترین رویکرد در هر نظام و سازمان به حساب می‌آید. در واقع مسیر فعالیت‌های هر نظام و نوع روابط اجزا و عناصر آن باید در جهت تحقق اهداف آن نظام باشد. نظام تعلیم و تربیت در هر کشور نیز مانند سایر نظام‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی دارای اهداف از پیش تعیین شده‌ای است که عناصر مختلف آن وظیفه دارند در ارتباط متقابل با یکدیگر، اهداف را محقق سازند. در جمهوری اسلامی ایران بعد از اینکه سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش ایران، به منظور ایجاد تحول و تغییر در نظام تعلیم و تربیت براساس مبانی تربیتی اسلامی و ایرانی تدوین شد، هدف نهایی فعالیت‌های تربیتی نیز به صورت جدی مطرح شد. تعلیم و تربیت، همواره از دغدغه‌های مصلحان و متفکران بوده و تعاریف متعددی از آن ارائه داده‌اند. طبق تعریفی که در فلسفه تربیت در ایران (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش) بیان شده است، تربیت عبارت است از فرآیند تعاملی زمینه‌ساز تکوین و تعالی پیوسته هویت متربیبان، به صورت یکپارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی به منظور هدایت ایشان در مسیر آماده شدن جهت تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در همه ابعاد است (فرمهبینی فراهانی و همکاران، ۱۳۹۸). تدارک سازوکارهای تحولی در سازمان بزرگ و گسترده آموزش و پرورش نیازمند مدیریت کارآمد و اثربخش است تا بتواند با استفاده حداکثری از امکانات و منابع موجود و برقراری تعامل فعال و اثربخش با ارکان سهیم و مؤثر در فرایند تحول، زمینه تحقق اهداف تحول را فراهم می‌آورد. آموزش و پرورش به عنوان نهاد فرهنگی اجتماعی، نقش اساسی و بی‌بدیل در تربیت نیروی انسانی و تولید سرمایه اجتماعی و فرهنگی و در فرایند رشد و تعالی کشور ایفا می‌کند به گونه‌ای که آینده کشور در آیین آموزش و پرورش امروز قابل مشاهده است (نویدکیا و همکاران، ۱۴۰۰). سازمان‌های آموزشی در هر کشور وظیفه دارند براساس نیازهای جامعه و آنچه که افراد از این نهادها مطالبه می‌کنند، رسالت اصلی خود را که تربیت نسل‌های آینده است، انجام دهند. آماده سازی کودکان، نوجوانان و جوانان برای زندگی بهتر در جامعه، تنها از طریق نظام آموزش و پرورش امکان پذیر است. آنچه توسط آموزش و پرورش ارائه می‌شود باید براساس تغییرات صورت گرفته در جامعه داخلی و خارجی همخوانی داشته باشد. این تحولات می‌تواند در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی باشد. تمامی افراد در تمامی سنین، تحت تأثیر آثار مثبت و منفی رسانه‌ها قرار دارند و به آموزش در زمینه سواد رسانه‌ای نیازمندند؛ اما بهترین حالت زمانی است که فرد در دوران کودکی و نوجوانی بتواند از رسانه‌ها حا- اکثر استفاده را کرده و از مضرات آن فاصله بگیرد و این امر مستلزم مجهز بودن کودکان و نوجوانان به تفکر انتقادی است که باید از دوران مدرسه و در کلاس درس مورد آموزش قرار گیرند تا در آینده به شهروندانی آگاه و فعال تبدیل شوند (تقی‌پور، ۱۳۹۶). آموزش در صورتی که دارای اهداف با محوریت سواد رسانه‌ای باشند می‌توانند افرادی که تحت آموزش سواد رسانه‌ای قرار می‌گیرند را مسلح به یک مهارت جدید نمایند. در بسیاری از کشورهای جهان، مانند آلمان، ژاپن، کانادا، استرالیا، انگلیس و سواد رسانه‌ای به عنوان یک واحد آموزشی در آموزش رسمی این کشورها وجود دارد. سواد رسانه‌ای یک ابزار جهت توانمند سازی افراد و مخاطبین رسانه‌هاست که می‌تواند در مواجهه افراد با رسانه‌ها به عنوان یک ابزار نظارتی کمک شایان توجهی کند. شهروندان کشورهایی که در آنها سواد رسانه‌ای به عنوان یک واحد درس رسمی در مقاطع مختلف تدریس می‌شود، در مقابله با پیام‌های رسانه‌ها حضور فعال‌تر و پویاتری داشته باشند (دهقانی شاد، ۱۳۹۱).

## مبانی نظری

در عصر کنونی با توجه به دگرگونی‌ها و تغییرات آنی، و بستر جدید که دانش و اطلاعات در آن جابجا می‌شود، با تجربه‌ای که گذشتگان در این فضا داشته‌اند، تفاوت عمده‌ای کرده است و شیوه کسب دانش، دچار تغییر شده است. در طول سال‌های اخیر زندگی با انواع و شکل‌های مختلف رسانه‌ها احاطه شده است، در واقع رسانه‌ها به بخش جدایی ناپذیری از زندگی مردم تبدیل شده‌اند. بسیار ادعا می‌شود که هر تحول و انقلابی در موضوع ارتباطات و رسانه‌های جمعی به ظهور عصر جدیدی می‌انجامد (مقصودی واحد، ۱۳۹۷). در پایان قرن بیستم به علت تغییر و تحولات گسترده علمی و تکنولوژیکی، دنیا دچار تغییرات زیاد شده و در همه ابعاد زندگی انسان همچون مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی تأثیر گذار بوده که تأثیر پذیری همه ابعاد زندگی بشر از این انقلاب تکنولوژیکی، جهان را وارد جامعه جدیدی کرده که بعضی از محققان آن را «جامعه اطلاعاتی»

نامیده‌اند (لینگ وانگ ۲۰۱۷). زندگی امروزه خواه ناخواه در شرایط اشباع رسانه‌ای قرار دارد (مک لین و همکاران، ۲۰۱۶). از سوی دیگر فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی در تغییر و تحول تمدن‌های بشری تأثیر مهمی گذاشته است. یافته‌ها، اکتشافات و اختراعات بی‌تردید زندگی بیشتر انسانها را در سراسر دنیا، مستقیم و غیر مستقیم تغییر و یا دست کم تحت تأثیر قرار داده است. به نحوی که در هر دوره، سبک جدید به وجود آمده و به تدریج، برخوردها و ارتباطات اجتماعی و رفتارهای مربوط به آن، سنت‌ها، آداب و رسوم و به طور کلی حیات و تمدن بشری، شکل نوینی گرفته است (بهمنی و بوستانی ۱۳۹۶).

بنابر این اندیشمندان حوزه‌های علمی مختلف با نگرانی‌های بسیاری در زمینه اثرات احتمالی نمایش جنبه‌های منفی از سوی رسانه‌ها مواجه‌اند. این امر سبب گردیده تا بعضی از دست اندرکاران رسانه‌ها چاره را در سانسور و نصب قطعات جانبی الکترونیکی در تلویزیون جهت حفظ کودکان در مقابل تماشای صحنه‌های نامناسب بدانند. اما صاحب نظران علم ارتباطات از جمله لوییس مارس (۲۰۱۵) برای پیشگیری از تأثیرات منفی رسانه‌ها، راه چاره را در سواد رسانه‌ای و آموزش رسانه‌ای می‌دانند. به نظر می‌رسد بهترین راه ممکن برای بقا در عصر ارتباطات و شبکه‌های اطلاعاتی، حفظ استقلال، اجتناب از انفعال، بهره‌مندی از تفکر انتقادی و به عبارتی افزایش توانایی‌های گزینش، انتخاب و چالش با این موج فراگیر است که تنها از طریق تکامل سواد رسانه‌ای میسر می‌شود. فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی، بیشتر از گذشته با پیام‌های رسانه‌ها اختلاط پیدا کرده است. امروزه نه تنها دسترسی به اطلاعات برای همگان آسان‌تر شده، بلکه روزانه دنیایی از اطلاعات جدید تولید و عرضه می‌شود. مشکل، چگونگی دسترسی به اطلاعات نیست بلکه پردازش بهتر آنهاست. در جهان رسانه‌ای کنونی افراد به میزان زیادی از پیام‌های رسانه‌ای اشباع می‌شوند و این وضعیت ایجاب می‌کند تمهید ویژه‌ای مانند آموزش سواد رسانه‌ای برای مدیریت اطلاعات در نظر گرفته شود. یافته‌های پژوهش صلواتیان و همکاران (۱۳۹۵) نشان می‌دهد که آموزش و پرورش به عنوان متولی اصلی در تعلیم و تربیت نقش اساسی در آموزش سواد رسانه‌ای دارد. در سند تحول راهبردی آموزش و پرورش (۱۳۸۹) نیز به آموزش سواد رسانه‌ای تأکید شده است. آموزش سواد رسانه‌ای به دانش آموزان با توجه به ضرورت‌های کنونی، در مدارس قابل اجرا می‌باشد. این امر در نظام آموزش ایران نیز مورد توجه قرار گرفته است به طوری که در سند تحول راهبردی آموزش و پرورش (۱۳۸۹) و در تبصره هفدهم فصل دوم با مضمون جایگاه و نقش تعلیم و تربیتی نهاد رسانه و فناوری‌های ارتباطی و بهره‌گیری هوشمندانه از آن و مواجهه فعال و آگاهانه جهت پیشگیری و کنترل آثار و پیامدهای نامطلوب آن - بر آن تأکید شده است. به همین منظور از سال ۱۳۹۵ در دوره متوسطه، درسی با عنوان تفکر و سواد رسانه‌ای از سوی سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی (شورای برنامه ریزی و تألیف کتاب‌های درسی وزارت آموزش و پرورش تعریف شده است (فتح‌آبادی، ۱۳۹۸) با توجه به حجم اخباری که دانش آموزان روزانه در معرض آن قرار دارند، باید به صورت مداوم، اطلاعات و آگاهی آنها افزایش پیدا کند تا درک سطحی از پیام‌ها نداشته باشند، چرا که اساساً هدف از آموزش سواد رسانه‌ای بالا بردن میزان درک و دانش افراد است (انتخابی و رجبی، ۱۳۸۷). توجه به آموزش سواد رسانه‌ای در بین دانش آموزان زمانی بیشتر ضرورت پیدا می‌کند که بدانیم بین دانش آموزان پایه یازدهم و دوازدهم از نظر سواد رسانه‌ای تفاوت معناداری وجود دارد و دانش آموزان پایه یازدهم که درس تفکر و سواد رسانه‌ای را گذرانده بودند نسبت به دانش آموزان پایه دوازدهم که این درس را نگذرانده بودند از سواد رسانه‌ای بیشتری برخوردارند. یافته‌های پژوهش تقی زاده (۱۳۹۶) نشان داد با عنوان «اثر بخشی آموزش سواد رسانه‌ای بر دانش آموزان آموزش سواد رسانه‌ای بر میزان سطح توانایی‌های مرتبط با سواد رسانه‌ای در دانش آموزان مؤثر است و توسعه آن در مدرسه ضرورت دارد.

نتایج پژوهش دهقان شاد (۱۳۹۱) بیانگر آن است که عدم آشنایی کودکان و نوجوانان با موضوع سواد رسانه‌ای به دلیل آموزش رسمی در مدرسه بوده است. همچنین این پژوهش نشان داد که بین آموزش سواد رسانه‌ای و استفاده هدفمند دانش آموزان از رسانه‌ها ارتباط وجود دارد. نقش مؤثر آموزش سواد رسانه‌ای در توسعه اجتماعی و مشارکت مدنی افراد جامعه هم از دیگر نتایج این تحقیق بود تقی زاده و کیا (۱۳۹۳) به این نتیجه رسیدند که ایجاد یک آموزش سواد رسانه‌ای بومی سازی شده و ایجاد توانایی استفاده مناسب از رسانه‌ها در نهایت می‌تواند منجر به حفظ و تقویت هویت و فرهنگ ایرانی- اسلامی شود. بلگر و دویسون (۲۰۱۸) پژوهشی را با عنوان «وعده، چالش و آینده سواد رسانه‌ای به انجام داده‌اند که بر اساس آن، سواد رسانه‌ای

امروز تمایل به ساماندهی پنج موضوع دارد: مشارکت جوانان، آموزش معلمان و منابع آموزشی، حمایت از والدین، طرح‌های سیاست‌گذاری و ساختار مدارک بیکر بل (۲۰۱۷) معتقد است که آموزش سواد رسانه‌ای می‌تواند دانشجویان را در استفاده از ژانرهای جدید رسانه‌ای برای تولید و توزیع متن‌های ضد رسانه، توانمند سازد. مؤلفه‌های تولید و توزیع تعلیم و تربیت رسانه انتقادی دست به دست هم می‌دهند و شامل آماده سازی جوانان می‌شود تا با تولید رسانه‌ها عامل تغییر باشند. نتایج تحقیقات تورنر و همکاران (۲۰۱۷) نشان داد که درک دانش آموزان پس از گذراندن دوره آموزش سواد رسانه‌ای به طرز معناداری افزایش پیدا کرده است. با توجه به موارد فوق می‌توان گفت با توجه به اینکه آموزش سواد رسانه‌ای نوعی سواد زندگی و مهارت اجتناب‌ناپذیر در عصر ارتباطات و اطلاعات محسوب می‌شود. آموزه‌های سواد رسانه‌ای از دانش آموزان می‌خواهد تا در زندگی خود در حالی که از رسانه‌ها استفاده می‌کنند، به بررسی دقیق و عمیق درباره تفکر و ذهنیات می‌پردازند؛ در صورتی که این توانایی در افراد ایجاد شود، دیگر در برابر پیام‌های رسانه‌ها تسلیم نمی‌شوند و با آگاهی خود را در معرض این رسانه‌ها قرار دهند. در این صورت، افراد می‌توانند از بین این انبوه پیام‌ها حق انتخاب دارند. به نظر اکثر صاحب نظران رسانه نقش مؤثری در افزایش سرمایه اجتماعی و مشارکت افراد در مسائل اجتماعی دارد.

### سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

عرصه تعلیم و تربیت از مهم‌ترین زیرساخت‌های تعالی همه جانبه کشور و ابزار جدی برای ارتقای سرمایه انسانی است، تعلیم و تربیتی که زمینه ساز حیات طیبه باشد. تحقق این هدف نیازمند ترسیم نقشه راهی است که در نحوه طی مسیر، منابع و امکانات لازم، تقسیم کار در سطح ملی و الزامات در این مسیر به صورت شفاف و دقیق مشخص شده باشد. در تهیه سند تحول بنیادین آموزش و پرورش کوشش شده تا با الهام از اسناد بالادستی و بهره‌گیری از ارزش‌های بنیادین آنها و توجه به چشم انداز و اهداف راهبردی نظام جمهوری اسلامی ایران، چشم انداز و اهداف تعلیم و تربیت در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی تبیین شود این سند شامل هشت فصل به شرح زیر است: فصل اول. کلیات که به تعریف اصطلاحات به کار رفته در سند پرداخته است. فصل دوم. بیانیه ارزش‌ها که به بایدها و نبایدهای اساسی در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی که همه سیاستگذاران و کارگزاران نظام ملتزم و پایبند به آنها باشند. فصل سوم. بیانیه مأموریت نهاد که زمینه دستیابی دانش آموزان در سنین لازم التعلیم طی ۱۲ پایه تحصیلی (چهار دوره سه ساله به مراتبی از حیات طیبه در ابعاد فردی، خانوادگی، اجتماعی و جهانی را به صورت نظام مند، همگانی، عادلانه و الزامی در ساختاری کارآمد و اثربخش فراهم سازد فصل چهارم. چشم انداز که به توصیف مدارس در سال ۱۴۰۴ با ۱۰ ویژگی می‌پردازد. فصل پنجم، ۸ هدف کلان در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی را بیان می‌کند. فصل ششم. ۱۵ راهبرد کلان برای رسیدن به ۸ هدف کلان بر می‌شمارد. فصل هفتم. هدف‌های عملیاتی و راهکارها که برای دستیابی به هدف‌های کلان نوشته شده است که لازم است به هنگام عملیاتی کردن احکام سند در تدوین برنامه‌های میان مدت و کوتاه مدت، پیوستگی‌ها هدف‌های عملیاتی و کلان مورد توجه قرار گیرد.

### چارچوب نهادی و نظام اجرایی تحول بنیادین آموزش و پرورش

در مجموع سند تحول بنیادین ضمن تعیین اهداف کلان، راهبردهای کلان در فصل هفتم، راهکارهای عمده‌ای برای رسیدن به اهداف کلان بیان کرده است. نظام تحول بنیادین در آموزش و پرورش شش زیر نظام (رهبری و مدیریت، برنامه درسی و آموزشی، تأمین فضا، تجهیزات و فناوری، تأمین و ارتقای منابع انسانی، تأمین مالی و تخصیص منابع و پژوهش و ارزشیابی) را در بردارد. هر یک از زیر نظامها ناظر بر بخش‌های مختلفی از حوزه‌های اجرایی آموزش و پرورش است. از زیر نظامها، فقط یک مورد آن هم برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران که زیر نظام برنامه درسی و آموزشی در تاریخ ۲۸ اسفند ماه ۹۲ تصویب و ابلاغ شده است. موضوع مقاله، یعنی آموزش سواد رسانه‌ای دقیقاً در همین زیر نظام قرار می‌گیرد. سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی وظیفه تحقق تقریباً همه مؤلفه‌های زیر نظام برنامه درسی و آموزشی را بر عهده دارد. این سازمان از آغاز اجرایی شدن سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به طور جد فعالیت‌های مرتبط را آغاز کرده است. تألیف کتاب جدیدالتألیف در پایه اول، دوم، سوم، چهارم، پنجم و ششم ابتدایی، هفتم، هشتم و نهم (سه سال اول متوسطه) تاکنون با رویکرد بسته آموزشی شاهد این امر مهم بوده است (هاشمی، ۱۳۹۳).

### مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران

برای تهیه سند تحول بنیادین مباحث گسترده‌ای توسط محققان و کارشناسان آموزش و پرورش و با مشارکت صاحب نظران حوزوی و دانشگاهی انجام یافته است. در دیپاچه مبانی نظری تحول بنیادین به نگارش دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی به ضرورت تهیه و مطالعه مبانی نظری این گونه آمده است: «نظام آموزش و پرورش کشور به رغم فعالیت‌های اصلاحی و تلاشی که برای بهبود اجزا و عناصر آن در طول سه دهه بعد از انقلاب اسلامی در آن صورت گرفته است به دلیل عدم ابتدای بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی نتوانسته است کارکرد مورد انتظار را داشته باشد، به گونه‌ای که بتواند تربیت یافتگانی در تراز جمهوری اسلامی پرورش دهد که از شایستگی‌ها و توانمندی‌های اعتقادی، عاطفی و رفتاری و هماهنگ با نیازهای جامعه برخوردار باشند. "از طرفی دیگر به لزوم هماهنگی با حرکت شتابان و تحولات سریع اجتماعی و بهره‌گیری از تجارب موفق آموزشی و تربیتی عصر حاضر تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت کشور را بیش از پیش نمایان می‌نماید. به عبارتی دو انگیزه مهم برای نگارش مبانی نظری بوده است اول، توجه به فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی و دوم، لزوم به روزرسانی نظام تعلیم و تربیت کشور به دلیل تغییر و تحولات سریع اجتماعی مبانی نظری تحول بنیادین شامل سه بخش زیر است (هاشمی، ۱۳۹۳):

۱. فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران

۲. فلسفه تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران

۳. رهنامه نظام تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران

#### روش تحقیق

روش تحقیق از نوع اسنادی است و از لحاظ دسته بندی بر مبنای هدف یک تحقیق کاربردی ناظر بر مسئله تربیت در آموزش و پرورش است.

#### عملکرد وزارت آموزش و پرورش در اجرای سند تحول بنیادین

سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش با اتکا به آموزه‌های قرآن، اسناد بالا دستی من جمله سند چشم انداز بیست ساله (افق ۱۴۰۴)، و نقشه جامع علمی کشور تنظیم شده است و آموزش و پرورش باید در پایان دوره به اهداف تعیین شده در سند دست یابد. با توجه به اینکه نظام تربیت رسمی و عمومی هر کشور نظامی قانونمند و عمومی و برای همه آحاد جامعه الزام آور می‌باشد. لذا نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی با نظام سیاسی حاکم ارتباط تنگاتنگی دارد. طرح تدوین سند ملی آموزش و پرورش از جمله مأموریت‌های ویژه شورای عالی آموزش و پرورش در سال‌های پس از انقلاب اسلامی بوده است، در مسیر تحول بنیادین آموزش و پرورش شورای عالی انقلاب فرهنگی و در گام بعد شورای عالی آموزش و پرورش نقش مهمی را عهده دار می‌باشند. از آنجا که سند تحول بنیادین یک برنامه و چشم انداز بلند مدت بوده و با هدف ایجاد تحول بنیادین در نظام آموزش و پرورش تدوین شده است لذا این تحول و هدف میسر نخواهد شد مگر آنکه سایر نهادهای به عنوان حامی و در راستای تحول در نظام تعلیم و تربیت هم از آموزش و پرورش حمایت کنند. ضمن اینکه لازم است این نهادها خودشان همزمان با آموزش و پرورش متحول شوند. با توجه به اینکه نظام تربیت رسمی و عمومی هر کشور نظامی قانونمند و عمومی و برای همه آحاد جامعه الزام آور می‌باشد لذا نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی با نظام سیاسی حاکم ارتباط تنگاتنگی دارد. بنابراین، در تدوین فلسفه تعلیم و تربیت رسمی و عمومی نمی‌توان مقتضیات سیاسی جامعه را نادیده گرفت. در تبیین الگوی تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران بایستی شاخصه‌های و ویژگی‌های سیاسی این نظام در نظر گرفته شود. سیاق اقدامات انجام شده در مسیر تعلیم و تربیت کشور، پیش‌تر معطوف به حوزه مطالعات تطبیقی و الگو گیری از نظام آموزش و پرورش کشورهای دیگر بوده و در عمل نیز در همین حد خلاصه گردیده است. تفاوت دیدگاه‌ها در بین صاحب نظران حوزه تعلیم و تربیت از مقوله اصلاح و باز تولید نظام آموزش و پرورش و عدم هم‌گرایی در سطوح عالی کشور، از جمله عوامل اصلی در کاهش سرعت حرکت بوده است (غلام‌نژاد، ۱۳۹۸).

#### مرور جایگاه رسانه در سند تحول

#### نقش رسانه در تربیت رسمی و عمومی

۱. استفاده از انواع جذابیت‌های هنری برای مخاطبان روز به روز عرصه را بر دیگر عوامل سهیم در تربیت به خصوص نهادهای تربیت رسمی و نهادهای سنتی تربیت (نظیر خانواده و مسجد) تنگ‌تر می‌نماید.» (مبانی نظری، ۱۳۹۰)
۲. «امروزه نقش و جایگاه رسانه‌ها در تمامی جوامع افزایش یافته است و به دلیل گستره و حوزه پوشش وسیع این رسانه‌ها در داخل و خارج از کشورها و جذابیت و مقبولیت آنها در بین مردم، امروزه تلاش دولت‌ها در این راستا قرار گرفته است که از این رسانه‌ها در جهت تحقق اهداف تربیتی خویش استفاده کند. از آنجایی که استفاده متریبان و مربیان از رسانه‌های ملی (نظیر صدا و سیما همچنان بیشتر از فناوری‌های جدید (مانند شبکه تارنمای جهانی است. بنابراین نظام تربیت رسمی و عمومی در جهت بهره‌مندی از ظرفیت تربیتی رسانه می‌تواند و باید با سفارش ساخت برنامه‌های تربیتی متنوع و مفید به رسانه ملی و یا با طراحی سایت‌های مناسب، در جهت ارتقای سطح تربیتی مخاطبان خود بکوشد.»
۳. «اصولاً در عصر حاضر رسانه یکی از عوامل قدرتمند و تأثیرگذار بر جریان‌های اجتماعی است. به طریق اولی این نهاد عظیم اجتماعی بر فرایند تربیت و تربیت رسمی و عمومی اثرگذار است، سیاست‌های حاکم بر نهاد تربیت رسمی و عمومی باید به گونه‌ای باشد که از ظرفیت‌های نهاد رسانه ملی در توسعه و تقویت تجارت تربیتی بهره گرفته شود. اگرچه همسویی سیاست‌های کلان این دو نهاد فراتر از توان تصمیم‌گیری و نفوذ سیاست‌گذاران دو نهاد است اما در مجموع رسانه ملی ظرفیت‌های فراوانی برای توسعه و بهبود کمی و کیفی تربیت رسمی و عمومی دارد که باید مورد توجه قرار گیرد. به علاوه رسانه ملی به مثابه مهم‌ترین عامل تربیت عمومی غیر رسمی در جوامع معاصر، باید با تربیت رسمی و عمومی هماهنگ باشد و بین این دو نهاد تربیتی نوعی تقسیم کار و وظایف صورت پذیرد.»
۴. برنامه ریزی و به کارگیری امکانات و فرصت‌های اجتماعی برای اعتلای فرهنگ عمومی در تکریم و پاسداشت مقام معلم با تأکید بر استفاده از ظرفیت رسانه ملی (سند تحول، ۱۳۹۰): که هدف آن «ارتقا منزلت اجتماعی و جایگاه حرفه‌ای منابع انسانی با تأکید بر نقش الگویی و جایگاه معلم است.»

### رسانه به عنوان رکن اساسی تربیت رسمی و عمومی

۱. «تربیت رسمی و عمومی بخشی از جریان تربیت است که به شکل سازمان دهی شده، قانونی، عادلانه، همگانی و الزامی در مدرسه با محوریت دولت اسلامی و مشارکت فعال دیگر ارکان تربیت - خانواده، رسانه و سازمانها و نهادهای غیر دولتی - صورت می‌پذیرد و با تأکید بر وجوه مشترک (انسانی، اسلامی، ایرانی) - همراه با توجه به وجوه اختصاصی هویت متریبان (به ویژه هویت جنسیتی) - در پی آن است تا آنان، مرتبه‌ای از آمادگی را برای تحقق حیات طیبه در ابعاد گوناگون فردی، خانوادگی و اجتماعی به دست آورند که تحصیل آن مرتبه، برای عموم افراد جامعه لازم یا شایسته باشد.» (مبانی نظری، ۱۳۹۰)
۲. «اطلاق عنوان رکن فرایند تربیت به رسانه با توجه به گستردگی نقش و میزان تأثیری (مثبت یا منفی) است که انواع رسانه می‌توانند بر کارکرد تربیت داشته باشند.»
۳. در بین ۳۰ گزاره ارزشی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی در سند تحول دو گزاره - گزاره ۱۵ و ۱۷ - به رسانه مربوط است. (گزاره ۱۵: نقش تربیتی اماکن مذهبی، نهادهای مردمی، اجتماعی و رسانه‌ها و گزاره ۱۷: جایگاه و نقش تعلیم و تربیتی نهاد رسانه و فناوری‌های ارتباطی و بهره‌گیری هوشمندانه) (سند تحول، ۱۳۹۰)
۴. «با توجه به نقش رسانه و تحولات فناوری اطلاعات و ارتباطات و گسترده نفوذ و تأثیرگذاری آن در فرایند تربیت، می‌باید از رسانه نیز به عنوان یکی از عوامل بسیار سهیم و مؤثر در فرایند تربیت و حتی به مثابه رکن آن نام برده شود. زیرا در عصر حاضر با تأسیس شاهرها و شبکه‌های اطلاعاتی و ایجاد ابر متن‌ها و فرا زبان‌ها، زندگی انسان متحول شده و معنای تازه‌ای از زندگی پدید آمده است. البته از مجموعه رویکردهایی که در زمینه ورود فناوری اطلاعات و ارتباطات به عرصه تربیت وجود دارد، اتخاذ رویکرد اصلاح‌گرانه و کل‌گرانه در مواجهه با تغییرات حاصل از فناوری کارسازتر است. یعنی در عین هشیاری و توجه به تبعات منفی ناشی از فناوری، باید تأثیرات مثبت آن را مورد توجه قرار داد و تعاملی سازنده بین فرهنگ و فناوری را پذیرفت.» (مبانی نظری، ۱۳۹۰) این بندها به روشنی نشان می‌دهند که رسانه به عنوان یکی از ارکان تربیت شمرده شده است

و به روشنی اهمیت و جایگاه رسانه در سند را نشان می‌دهد. این اهمیت به خودی خود نشانگر اهمیت آموزش سواد رسانه‌ای هم است. چرا که استفاده بهینه از رسانه مستلزم آموزش نحوه استفاده از رسانه و مواجهه با محصولات رسانه‌ای است.

### نقش رسانه در تربیت غیر رسمی

تربیت غیر رسمی آن شکلی از جریان تربیت است که در آن انواع شایستگی‌های لازم جهت درک موقعیت و اصلاح مداوم آن بر اساس نظام معیار، در جهت آماده سازی متریبان برای تحقق مراتب حیات طیبه در ابعاد گوناگون، بدون سازمان دهی مشخص و از طریق تجارب داوطلبانه متریبان (مانند حضور در خانواده، مطالعه کتاب و روزنامه، تماشای فیلم و تلویزیون، مشارکت در فعالیت گروه‌ها و انجمن‌ها، شرکت در مساجد و محافل مذهبی) کسب می‌شود. این بند نشان می‌دهد که نقش رسانه تنها به تربیت رسمی محدود و منحصر نیست بلکه تربیت غیر رسمی را هم شامل می‌شود. این مهم بیانگر نقش و اهمیت دو چندان سواد رسانه‌ای است چراکه آموزش سواد رسانه‌ای می‌تواند نوجوانان را از آسیب‌های رسانه‌ای مصون دارد. نکته دیگر اینکه تربیت رسمی و عمومی سازمان‌ها و نهادهای غیر دولتی در دوره محدودی از زندگی افراد بر تربیت آنها تأثیر گذارند در حالی که نقش و تأثیر رسانه، قبل و بعد از تربیت رسمی عمومی هم وجود دارد (هاشمی، ۱۳۹۳).

**آموزش سواد رسانه‌ای به مثابه حق نوجوانان که بر عهده مسئولان است**، در جنبه فردی تربیت، فرد و خانواده صاحب حق و تکلیف‌اند. لذا به طور کلی مسئولیت اولیه و اصلی تربیت کودکان با والدین است و دولت نقش مکمل و ناظر را بر عهده دارد. ولی ایفای جنبه اجتماعی حق بر تربیت باید با مسئولیت ارکان تربیت و همه نهادهای سهیم صورت پذیرد که در تربیت رسمی و عمومی مسئولیت اصلی بر عهده حاکمیت است و والدین نقش مکمل و ناظر را دارند. نظر به اینکه هر انسانی دارای حق و حقوقی است و از طرف دیگر نیز تکالیفی بر عهده دارد که در قالب حقوق و تکالیف فردی و اجتماعی پذیرفته شده است، لذا می‌توان گفت حق تربیت نیز دو جنبه فردی و اجتماعی دارد. تربیت فردی به عهده خانواده و تربیت اجتماعی افراد به عهده نظام آموزش و پرورش و سازمانها و نهادهای غیر دولتی است. از این منظر می‌توان گفت که آموزش سواد رسانه‌ای در مدارس حق نوجوانان است.

### ضرورت هماهنگی نظام تربیت

۱. بی شک، مشارکت جویی یک اصل مهم و حاکم بر روابط بیرونی تربیت رسمی و عمومی با دیگر بخش‌های جامعه است، یکی از مصادیق این اصل هماهنگی نظام تربیت رسمی و عمومی با نهادهای متولی فرهنگ عمومی (نظیر رسانه و مساجد در فرایند اصلاح اجتماعی است).

۲. بر اساس مبانی بیان شده در فلسفه تربیت در جمهوری اسلامی ایران، ارکان تربیت عبارت‌اند از: دولت اسلامی (حاکمیت)، خانواده، رسانه، نهادها و سازمان‌های غیر دولتی. البته در راستای مبانی سیاسی و حقوقی پیش گفته و تقدم جنبه اجتماعی تربیت رسمی و عمومی بر جنبه فردی آن، دولت اسلامی (به لحاظ رسالت زمینه سازی جهت تحقق حیات طیبه و هدایت فرد و جامعه) در سامان دهی سیاست‌ها، برنامه‌ها و اقدامات نظام تربیت رسمی و عمومی نقش محوری و اساسی‌تری بر عهده دارد. لذا دولت اسلامی به دلیل داشتن همین نقش محوری باید علاوه بر سیاستگذاری و نظارت، شرایط و لوازم تحقق در حد مقبول و مناسب با ویژگی‌های تربیت رسمی و عمومی را به طور عادلانه برای همه مخاطبان این نوع تربیت تأمین کند. اما این گونه نقش آفرینی دولت اسلامی نباید به بی توجهی به نقش فعال دیگر ارکان تربیت در فرایند تربیت رسمی و عمومی منجر شود. لذا علاوه بر نقش اساسی دولت اسلامی در جهت دهی نظام تربیت رسمی و عمومی، خانواده، رسانه، نهادها و سازمان‌های دیگر حق و تکلیف دارند که به شکل مؤثر و هماهنگ در فعالیتهای این نظام مشارکت جویند.

۳. برای ایجاد هماهنگی و همسویی میان عوامل متعدد سهیم در تربیت رسمی و عمومی، عموم افراد جامعه باید هم غایت، هدف کلی و اهداف مشترکی برای انواع تربیت عمومی - اعم از رسمی و غیررسمی - تعیین شود و هم با تقسیم کار و وظایف میان عوامل سهیم، زمینه هم افزایی و تعامل سازنده بین آنها فراهم شود. در این میان باید به طور ویژه در سطح ملی نوعی تعامل، هماهنگی و تقسیم وظایف با نهادهای ذیل به عمل آید:

▪ خانواده

- نظام آموزش عالی
- رسانه ملی و سایر شبکه‌های ارتباطی ملی
- حوزه‌های علمیه
- نهادهای تبلیغات دینی مساجد و مؤسسات مذهبی، سازمان تبلیغات اسلامی و..
- نهادهای تربیت غیر رسمی (مطبوعات، هنرهای نمایشی و مراکز فرهنگی)
- نظام آموزش فنی و حرفه‌ای (وزارت کار و امور اجتماعی، و ...)

۴. در تمام دستگاه‌ها و نهادهای، به ویژه رسانه ملی، موظفانند در چارچوب این سند، همکاری لازم با نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی را برای تحقق اهداف تحول بنیادین آموزش و پرورش معمول دارند. گزارش نحوه و میزان همکاری دستگاه‌ها به صورت سالانه توسط وزیر آموزش و پرورش به شورای عالی انقلاب فرهنگی ارائه خواهد شد. (سند تحول، ۱۳۹۰).

۵. در فصل ششم سند تحول در راهبردهای کلان بند ۸ می‌نویسد: «تعامل اثربخش و فعال نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی با سایر نهادها و دستگاه‌های مرتبط به ویژه نهاد خانواده و رسانه با تأکید بر کاهش مرزهای تعلیم و تربیت رسمی و غیر رسمی».

۶. تدوین اصول راهنما و پودمان‌های آموزشی برای تبیین نقش مدرسه، رسانه‌ها و خانواده در تأمین پیش‌نیازهای ورود کودک به مدرسه و ایجاد ساز و کارهای لازم برای هماهنگی و همسویی آنها با هم و با اهداف نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی که هدف آن تقویت بنیان خانواده و کمک به افزایش سطح توانایی‌ها و مهارت‌های خانواده در ایفای نقش تربیتی متناسب با اقتضات جامعه اسلامی است. ما است

۷. تعامل اثربخش با مراکز فرهنگی و اجتماعی و استفاده از ظرفیت رسانه‌ها - به ویژه رسانه ملی - برای تبیین جایگاه نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی در تولید سرمایه اجتماعی و فرهنگی و جلوگیری از کوچک‌انگاری نقش آن در سرنوشت آینده کشور از منظر معارف اسلامی که هدف آن افزایش مشارکت نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی و مدرسه و معلمان و دانش‌آموزان در رشد و تعالی کشور در عرصه‌های دینی، فرهنگی، اجتماعی در سطح محلی و ملی به عنوان نهاد مولد سرمایه انسانی، فرهنگی، اجتماعی و معنوی. این هماهنگی نهادها لازمه انسجام در نظام تربیتی و کامیابی آن است و در این میان رسانه نقش مؤثری در باز تولید این نظم گفتمانی دارد. اگر قرار باشد نهادهای مختلف الگوهای تربیتی مختلفی را ترویج دهند، هدف مطلوب محقق نخواهد شد. لذا رسانه هم از جهت ارائه تصویری هم راستا میان نهادها و هم در تقویت فرهنگی و ارزشی نظام تربیتی اسلامی جایگاهی ویژه در میان نهادها دارد. اما در کنار این رسالت رسانه‌ای، عامل مهمی که می‌تواند به این نقش آفرینی حیاتی کمک کند، لحاظ کردن آموزش سواد رسانه‌ای در مدارس است (هاشمی، ۱۳۹۳).

### تأکید بر مصون سازی دانش آموزان

۱. «اما در خصوص دیگر انواع رسانه رسانه فراملی به نظر می‌رسد باید نظام تربیت رسمی و عمومی رویکرد مواجهه فعال و مثبت اندیشانه و هوشمندانه با این رسانه‌ها را در پیش گیرد و با تأکید بر آماده سازی متریبان جهت مواجهه خردورزانه با انواع رسانه، ایشان را برای حضور ارزش مدار و عقلانی در عصر رسانه و بهره گیری از ظرفیت‌های رسانه و مصون سازی نسبت به تهدیدات انواع روزافزون رسانه (به جای برخورد محدود کننده و تکفیری) آماده سازد.» (مبانی نظری، ۱۳۹۰)

۲. «ظرفیت محیط رسانه‌ای و فناوری باید در راستای اهداف، سیاست‌ها و برنامه‌های نظام تربیت رسمی و عمومی مورد استفاده قرار گیرد، به گونه‌ای که زمینه رشد توانمندی‌های متریبان در شناخت و بهره گیری و توسعه نتایج تجارب متراکم بشری در عرصه علم و فناوری را امکان پذیر کند. این جهت گیری نه تنها متریبان را قادر می‌کند تا با عنایت به تغییرات و تحولات آینده با کسب دانش لازم و بینش ارزشمدار نسبت به جهان هستی و پدیده‌هایش احترام قائل شوند بلکه، روش مسئولانه‌ای در مواجهه با آن اتخاذ کنند. بدیهی است رویکرد مصون سازی به جای محدودسازی در نظام تربیت رسمی و عمومی ظرفیت‌های لازم را در متریبان برای برخورد سازنده با تأثیرات نامطلوب محیط رسانه‌ای فراهم می‌کند.» تأکید سند بر



مصون سازی و نه محدودسازی، در اینجا ستودنی و امیدوار کننده است و به روشنی می‌تواند تداعی کننده سواد رسانه‌ای باشد که عملی ساختن آن نیازمند برنامه ریزی از سوی کارشناسان است (هاشمی، ۱۳۹۳).

### نتیجه گیری

رسانه‌ها نقش مؤثر در تحقق اهداف سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و نهادینه سازی گفتمان تعلیم و تربیت در جامعه دارند. قابلیت‌ها و ظرفیت‌های رسانه‌ها به گونه‌ای است که فرصت‌های فراوانی را در فرایند تعلیم و تربیت فراهم می‌سازند. آموزش سواد رسانه به کودکان و نوجوانان در شرایط فعلی و دنیای کنونی ضروری است. از دیگر سو، سند تحول بنیادین که در آموزش و پرورش به نگارش درآمده است، در همه سطوح تغییرات را در نظر گرفته است. در همین دوره، شاهد تدوین اسناد و سیاست گذاری‌های زیربنایی و بسیار مهمی از جمله سند چشم انداز بیست ساله، سند نقشه جامع علمی کشور، سند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت و برنامه درسی ملی بوده‌ایم که همه این اسناد می‌توانند در حوزه آموزش و پرورش یک تحول عمیق و بنیادین را ایجاد کرده و کلیه نظامات آموزش و پرورش در کشور را متحول سازند. بر این اساس از این اسناد بالادستی به عنوان نقشه راه و قطب نمای حرکت نهادهای مسائل فرهنگی و آموزشی کشور یاد می‌شود. مرور این اسناد و قوانین از این جهت مهم است که فهم شود آیا مشکلات و مربوط به سواد رسانه‌ای به دلیل نبود قانون و جایگاه نازل آن در اسناد و مصوبات است یا بی‌توجهی و ضعف کار کردی نظام‌ها و سازمان‌های ذی ربط. تا با بررسی عالمانه آسیب‌ها و شناخت دقیق‌تر مشکلات به درمان آن مبادرت کرد. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش با الهام از اسناد بالادستی و توجه به چشم انداز و اهداف راهبردی نظام جمهوری اسلامی ایران، چشم انداز و اهداف تعلیم و تربیت در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی را تبیین کرده است. یکی از ابعاد مورد توجه در سند، نقش رسانه‌ها در تعلیم و تربیت است. در واقع در مبانی نظری تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران، رسانه در کنار نظام آموزش و پرورش، خانواده و نهادهای غیر دولتی به عنوان یکی از چهار رکن محسوب می‌شود. با توجه به اینکه قابلیت‌ها و ظرفیت‌های رسانه‌ها به گونه‌ای است که فرصت‌ها و تهدیداتی را در امر تربیت فراهم می‌سازد، این مقاله با استخراج و تأمل بر بندهای مرتبط با رسانه‌ها به دسته بندی آنها و بررسی ضرورت آموزش سواد رسانه‌ای برای نیل به اهداف متعالی سند تحول پرداخته است. به عبارت دیگر در این مطالعه اسنادی نشان داده شده است که تحقق اهداف سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در حوزه رسانه‌ها در گرو تدوین برنامه‌ای منسجم برای آموزش سواد رسانه‌ای در سطوح مختلف مدارس است.

### منابع

۱. انتخابی، شهرد؛ سیدمسعود رجیبی. (۱۳۸۷). بررسی و تحلیل سطوح مختلف سواد رسانه‌ای. سواد رسانه‌ای، دوره ۴۵، شماره ۲۲، صص ۵۷ تا ۸۳.
۲. بهمنی، لیلا؛ داریوش بوستانی. (۱۳۹۴). سواد رسانه‌ای و مصرف‌گرایی، مطالعات توسعه اجتماعی.
۳. تقی‌زاده، عباس. (۱۳۹۶). اثربخشی آموزش سواد رسانه‌ای بر دانش‌آموزان در شهر کرمان. فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، سال بیست و چهارم، شماره ۴ (پیاپی ۹۲).
۴. دهقانی شاد، حوریه؛ سید محمود محمودی کوکنده. (۱۳۹۱). بررسی ضرورت آموزش سواد رسانه‌ای کودکان و نوجوانان از نگاه متخصصان آموزش و پرورش شهر تهران. مطالعات رسانه‌ای، مقاله ۷، دوره ۷، شماره ۱ (پیاپی ۱۶)، بهار ۱۳۹۱.
۵. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، آذرماه ۱۳۹۰، مشهد مقدس.
۶. صلواتیان، سیاوش؛ سید بشیر حسینی، سینا معتمدی. (۱۳۹۵) طراحی الگوی آموزش سواد رسانه‌ای به نوجوانان، مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی. سال ۹۵، شماره ۱۰، صص ۴۹-۷۴.

۷. فتح آبادی، بهاره؛ محمد دادگران، بهاره نصیری، شهناز هاشمی. (۱۳۹۸). عوامل مؤثر بر ارتقا آموزش سواد رسانه در مدارس از دیدگاه کارشناسان کمیسیون اتحادیه اروپا. مطالعات میان‌رشته‌ای در رسانه و فرهنگ، سال نهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۸، شماره ۲.
۸. فرمپینی فراهانی، محسن، حسینائی، فاطمه، احمدآبادی آرانی، نجمه. (۱۳۹۸). بررسی جایگاه حیات طیبه در سند تحول بنیادین و تبیین راهکارهای تحقق آن در آموزش و پرورش. فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۳۷(۴۲)، ۱۰۴-۷۹.
۹. غلام‌نژاد ایمان، فاضل سید مهدی. ۱۳۹۸. بررسی عملکرد وزارت آموزش و پرورش در اجرای سند تحول بنیادین. دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
۱۰. مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی، آذر ماه ۱۳۹۰.
۱۱. مقصودی، مسعود؛ زهرا واحد. (۱۳۹۷). معرفی چارچوبی شناختی برای طراحی سنجش اثربخشی مداخله‌های ارتقا مهارت‌های سواد رسانه‌های اجتماعی. رسانه، ۲۹(۱).
۱۲. نویدکیا، افسانه، واعظی، رضا، قربانی زاده، وجه الله. (۱۴۰۰). واکاوی اجرای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. ختمشی‌گذاری عمومی در مدیریت، ۱۲(۳)، ۳۰-۱۳.
۱۳. هاشمی شهناز. (۱۳۹۳). بررسی نقش رسانه در نظام تربیتی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش: تأکید بر ضرورت آموزش سواد رسانه‌ای / نوشته: شهناز هاشمی. فصلنامه علمی رسانه، ۲۵(۴)، ۱۸-۵.

14. Bulger, M. & Davison, P. (2018). The Promises, Challenges and Clark, Lynn S., and Rachel Monserrate. 2011. "High School Journalism and the Making of Young Citizens." *Journalism* 12 (4): 417-432.
15. Lin, T, & Wang, L. (2017). The constrect of media and infotmation literacy in singapore education: Global trends and local policies. *Asia Pasific Journal of Education*, 35(4), 423- 437.
16. Louise Mares .M. Kretz V. (2015). Media Effect on Children international Encyclopedia of the social & Behaviour Sciences(Second Edition). 35- 41.
17. McLean, S. A.; Paxton, S. J. & Wertheim, E. H. (2016). The Role of Media Literacy in Body Dissatisfaction and Disordered Eating: A systematic Review. *Body Image*, 19, 9- 23
18. Turner, K. H., Jolls, T., Hagerman, M. S., O'Byrne, W., Hicks, T., Eisenstock, B., & Pytash, K. E. (2017). Developing digital and media literacies in children and adolescents. *Pediatrics*, 140(Supplement 2), S122- S126.